

[illegible]

وکیلی، شروین، ۱۳۵۳ -	
افلاطون: و اساسی یک افسانه فلسفی / شروین وکیلی - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۵.	
۷۷۴ ص.	
ISBN 978-600-405-097-5	شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۰۹۷-۵
خرد افلاطونی. افلاطون، ۴۲۷-۳۴۷ ق. - نقد و تفسیر.	
plato - criticism and interpretation	
philosophy, Greek	حقیقه یونانی
philosophers - Greek	فلاسف یونانی
rationalism	عملگرایی
۱۸۴	B ۳۹۱ و ۸ ج ۲



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان قزوینی / پیرا سر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۳۰۲۴۳۷
فروشگاه: خیابان کریمخان زند / ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸ / تلفن: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶

■ افلاطون: و اساسی یک افسانه فلسفی

● شروین وکیلی ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی

● چاپ اول: ۱۳۹۵ / ۷۷۰ نسخه

● لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمدی ● صحافی: مینو

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-600-405-097-5

● شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۰۹۷-۵

● سایت اینترنتی: www.salesspublication.com پست الکترونیک: Info@salesspublication.com

● قیمت: ۶۵۰۰ تومان

فهرست

۷	دیباچه.....
۱۱	هشدارها و اندرزها.....
۲۱	بخش نخست: کیستی افلاطون.....
۲۱	گفتار نخست: تاریخ افلاطون حکیم.....
۷۵	گفتار دوم: افلاطون و سقراط.....
۹۱	گفتار سوم: آثار افلاطون.....
۱۳۳	گفتار چهارم: سبک ادبی افلاطون.....
۱۶۱	گفتار پنجم: افلاطون و تاریخ آتن.....
۱۹۱	بخش دوم: روش افلاطون.....
۱۹۱	گفتار نخست: دیالکتیک افلاطونی.....
۲۵۷	گفتار دوم: ریاضیات افلاطونی.....
۲۹۷	گفتار سوم: افلاطون نویسا.....
۳۳۳	بخش سوم: انسان افلاطونی.....
۳۳۳	گفتار نخست: افلاطون و روح.....
۳۹۱	گفتار دوم: افلاطون و بردگی.....
۴۰۳	گفتار سوم: افلاطون و زنان.....

۴۲۱	بخش چهارم: خرد افلاطونی
۴۲۱	گفتار نخست: افلاطون و شناخت
۴۵۵	گفتار دوم: افلاطون و هنر
۴۶۹	گفتار سوم: افلاطون و خدایان
۴۸۱	بخش پنجم: کام افلاطون
۴۸۱	گفتار نخست: افلاطون و لذت
۵۰۱	گفتار دوم: همجنس‌خواهی افلاطون
۵۱۷	گفتار سوم: عشق افلاطونی
۵۴۵	بخش ششم: جهان نامرئی
۵۴۵	گفتار نخست: بخش نامرئی
۵۵۷	گفتار دوم: گیتی و بینو
۵۸۳	گفتار سوم: کیهان‌شناسی افلاطون
۶۰۹	بخش هفتم: اخلاق افلاطونی
۶۵۱	بخش هشتم: سیاست افلاطونی
۶۹۵	بخش نهم: افلاطون و خرد مغانه
۷۴۷	کتابنامه
۷۶۱	نمایه

دیباچه

پیش در آمد

افلاطون بی تردید مهم‌ترین چهره فلسفی در جهان یونانی است. تنها کسی که شاید بتوان گفت جایگاهی نزدیک به او را اشغال کرده، شاگردش ارسطوست و نامی که پیش از وی درخششی دارد، استانسقراط است و این هردو به واسطه حضور وی اهمیت و اعتبار یافته‌اند. افلاطون برای هر کسی که دغدغه فلسفه داشته باشد، شخصیتی جذاب و معماگونه است. حجم عظیم آثاری که به قلم وی باقی مانده است، با توجه به زمان دیرینه زندگی‌اش، شگفت و متناظره می‌نماید. ترجمه‌های پیاپی و بازخوانی‌ها و تفسیرهای مجدد جملاتش، معناها و چندان متنوع را به دست داده است که تنها تفسیرهای کتاب‌های مقدس با آن کس می‌توانند نواخت.

نخستین متنی که من در باره افلاطون نوشتم، مقاله‌ای پانزده صفحه‌ای بود که در مهرماه سال ۱۳۷۸ در انجمن فلسفه‌ای که در دانشگاه تهران داشتیم، منتشر شد. قبل و بعد از آن افلاطون همچنان موضوع کنکاش و کنجکاوی بود، تا آن که طرح بازنویسی تاریخ خرد آغاز شد و بازخوانی و بازنویسی مضمون منابع اصلی فلسفه در قلمرو میانی را آماج کرد. در این میان، رخدادی باعث شد اهمیت افلاطون و تأثیر

زیانبار و ویرانگر ترجمه‌های نادقیق آثارش بیش از پیش برایم نمایان شود و ورود به اصل متون افلاطونی را در این نوشتار ضروری کند. ماجرایی از این قرار بود که در سال ۱۳۸۸ روزی برای سخنرانی به انجمن حکمت و فلسفه دعوت شده بودم و چون در آنجا در باره اخلاق طبیعی‌شده سخن گفتم، با مخالفت یکی از حاضران روبرو شدم که گویا از پژوهشگران آن نهاد نیز بود و با زمینه‌ای دینی و اسلامی می‌کوشید ناممکن بودن یا ناروا بودن برداشت من از اخلاق طبیعت‌گرا را اعلام کند. وقتی تنور بحث میان ما گرم شد، دیدم که بارها و بارها به افلاطون ارجاع داده و وقتی برداشت خود از سخن افلاطون را گفتم، با این جمله پاسخ می‌داد که «گمان می‌کنم شما هیچ کتابی از افلاطون نخوانده‌اید».

آن روز در کوشش افروتنی و طنزی سقراطی پاسخ دهم و از این سخن بگذرم. اما همچنان این خاطره بر ذهن باقی ماند که گویا به راستی افلاطونی که من خوانده بودم و آنچه آن مخاطب به سرانجام خوانده بود و بر مبنایش سخن می‌گفت، متفاوت بوده است. موضوع که بی‌دست، نا‌جایی که من فهمیدم، بر ترجمه محمد حسن لطفی از افلاطون مبتنی بود. این ترجمه در زبان پارسی رساترین و شیواترین برگردان از متن افلاطون محسوب می‌شود، اما این ایراد را دارد که مرجعش ترجمه‌های آلمانی و انگلیسی از اصل یونانی افلاطون است. این شیوه از فهم افلاطون، چنان که در این کتاب نشان خواهم داد، آمیخته با اشتباه و آغشته با پیش‌داوری‌های فیلسوفان معاصر اروپایی است که دینی ندارد. به زمینه‌اندیشه خردمندان ایرانی امروز نیز نشت کند.

واقعیت آن است که سویه‌ای از گزاره‌های آن مخاطب سخنرانی در کتاب و سویه‌ای دیگر نادرست بود. او در این مورد بر خطا بود که نمی‌دانست متون مرجع مورد نظرش را خوانده‌ام و در این مورد راست می‌گفت که افلاطونی را که «می‌خوانم»، آنی نیست که معمولاً خوانده می‌شود. به همین دلیل، گمان می‌کنم مهم‌ترین مشکلی که در بازسازی خرد ایرانی بر سر راه پویندگان این راه قرار دارد، همین سطحی

خواندن و ترجمه‌مداری در برخورد با متون باستانی است؛ این ایرادی است که می‌تواند به اختلالی جدی منتهی شود. شبیه به آنچه که در آن نشست سخنرانی با آن مواجه شدم. یعنی خوانش ناهمسان و ناهمراز از متنی یگانه و منسوب کردنِ دو برداشت به کلی متفاوت به اندیشمندی یکتا، در شرایطی که تفاوت راهبردها و قالب‌های متفاوت تفسیر، ناگفته باقی بماند.

حقیقت آن است که نه یک افلاطون که افلاطون‌های بسیاری وجود دارند که در ترجمه‌ها و شرح‌های گوناگون گنجانده شده‌اند و هریک مدعی انعکاسِ حقیقتِ باورهای این اندیشمندانند. آنچه من دریافتم آن است که اگر به اصل متن یونانی، بگردد، خواهیم دید که تمام این ترجمه‌ها به شکلی غریب غیرانتقادی است و نمونه‌هایی بسیار از خطای مشهور مترجمان، یعنی پرتاب مفاهیم جدیدتر بر متنی باستانی را می‌توان در آن بار جست. به گمان من خطای اصلی و پایه‌ای مترجمان و شارحان افلاطون، این است که از زمینه تاریخی و اجتماعی آثنِ قرن چهارم پ.م غفلت ورزیده و پیوندهای استوار و استوارکننده این شهر با سیاست و فرهنگ دولت هخامنشی را نادیده انگاشته‌اند. ایراد دیگر این است که تقریباً تمام این مترجمان با متون اوستایی، پارسی باستان، سانسکریت، آرامی و عبری نوشته‌شده در عصر هخامنشی بیگانه بوده‌اند و بنابراین بستر معنایی بدین رساله‌های افلاطون را درک نکرده و این اندیشمندان را به خطا در زمینه تأویلِ متون مسیحی، فهم و تفسیر کرده‌اند. در این کتاب خواهم کوشید ضمن پرهیز از این خطاها با معیار اصل متون افلاطون و قرار دادنشان در بستر متونی که همزمان با او یا متقدم بر او بوده‌اند، پایه‌ای برای داوری در باره اندیشه فلسفی‌اش فراهم آورم.